

شرح حاشیه

نگاهی به شرح حاشیه

(بررسی جریان‌های حاشیه‌ای شعر معاصر بعد از نیما)

کتاب شرح حاشیه به بیان نویسنده در آغاز کتاب، اثری است پژوهشی که بازخوانی، تحلیل تئوری‌ها و ساختارهای پیشنهادی جریان‌های حاشیه‌ای شعر معاصر، پس از اشعار و نظریات شعری نیما یوشیج، را بررسی کرده است.

مؤلف، بر اساس صورت‌های کاملاً روشنی که در این کتاب ارائه داده است، اساس نگارش و تدوین این کتاب را پژوهشی تحلیلی (رساله‌ای علمی) در باب جریان‌های حاشیه‌ای شعر معاصر بعد از نیما در نظر گرفته و با بهره‌گیری (برداشت آزاد) از آثاری همچون: از صبا تا نیما، نوشته یحیی آریان‌پور، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، نوشته دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، تاریخ تحلیلی شعر نو، نوشته شمس لنگرودی، شعر نو از آغاز تا امروز، نوشته محمد حقوقی، و نیز با دست‌مایه کردن آثار دیگری، مثل: طلا در مس، نوشته دکتر رضا براهنی، ساختار و تأویل متن، نوشته بابک احمدی، شعر و اندیشه، نوشته داریوش آشوری، مکتب‌های ادبی، نوشته و ترجمه رضا سیدحسینی، در صدد برآمده است تا شکل دیگری از بیان تحقیقی را درباره جریان‌های حاشیه‌ای شعر معاصر ایران ارائه دهد.

۱. معرفی کتاب

کتاب شرح حاشیه از یک یادداشت، یک مقدمه، نوشته دکتر محمدرضا سنگری و ۶ فصل تشکیل شده است، بدین شرح:
فصل اول: مقدمه، فصل دوم: شعر نیما یوشیج، فصل سوم: شعر هوشنگ ایرانی، فصل چهارم: شعر موج نو، فصل پنجم: شعر حجم، فصل ششم: شعر گفتار.
دکتر محمدرضا سنگری در مقدمه این کتاب، سیر تحول گذشته شعر فارسی، از عصر سامانی تا عصر مشروطه را به اختصار روایت کرده و در این راستا از ویژگی‌ها، تکاپوها، نکات درخور توجه و چگونگی

علی حسن‌زاده*



* شرح حاشیه (بررسی جریان‌های حاشیه‌ای شعر معاصر بعد از نیما)
* احمد بیرانوند (با مقدمه دکتر محمدرضا سنگری)
* چاپ اول، تهران: روزگار، ۱۳۸۹

تحولات ساختاری شعر در عصر مشروطه سخن به میان آورده و ارتباط این تحولات را با اشعار و نظریات شعری شاعران پیشرو عصر مشروطه (پیشگامان شعر نو)، که عبارتند از: شمس کسمایی، تقی رفعت، جعفر خامنه‌ای، لاهوتی و نیما یوشیج، بررسی کرده است و در میان این شاعران، نیما یوشیج را تنها شاعری دانسته که با تأمل‌های ژرف، مطالعه دقیق و عمیق در شعر گذشته فارسی، فهم ضرورت‌ها و نیازهای امروز، موفق شد پنجره‌ای به سمت دنیای تازه بگشاید. وی در ادامه، نحوه تحول آفرینی نیما یوشیج در دو حوزه فرم و محتوای شعر را بررسی کرده و شاعرانی چون مهدی اخوان ثالث، فروغ فرخزاد، سهراب سپهری و دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، را شاعرانی دانسته است که زبان شعر نیمایی را صیقل دادند و در میان این تداوم‌دهندگان راه نیما یوشیج، به اشعار و نظریات شعری احمد شاملو اشاره نموده و برخی از ویژگی‌های اشعار او را برشمارده است. وی در ادامه، از جریان‌های شعری‌ای چون: شعر «حجم» یداالله رؤیایی، شعر «موج نو» احمدرضا احمدی، شعر هوشنگ ایرانی و شعر «گفتار» سیدعلی صالحی سخن به میان آورده و پدیدآورندگان این جریان‌های شعری را، شاعرانی دانسته که در پی فتح قاره‌های تازه و یا فتح قله‌های شعر بودند. دکتر محمدرضا سنگری در پایان این مقدمه، این کتاب را پژوهشی ارزنده و عالمانه دانسته که تلاشی است برای بازکاوی، جریان‌شناسی، چند و چون و ابعاد و ویژگی جریان‌های شعری تازه پس از نیما یوشیج.

فصل اول کتاب به معرفی جریان‌های شعری و نقد ادبی پس از نیما یوشیج اختصاص دارد. عمده مسائلی که در این فصل مورد بحث قرار گرفته‌اند، از این قرار است:

مقایسه جایگاه متن ادبی با جایگاه نقد ادبی در جهان ادبیات (خاصه در چند قرن اخیر)، انواع خوانش‌های ادبی از منظر تزوتان تودورف، فرم، محتوا، زبان و فلسفه زبان در ادبیات و فلسفه، سبک‌شناسی، شرایط اجتماعی و سیاسی در دهه‌های پیشین و پسین زندگی نیما یوشیج، مکتب‌های ادبی و ترجمه‌ها، بیانیه دکتر تندریا تحت عنوان «نهییب جنبش ادبی - شاهین»، هوشنگ ایرانی، شعر چریکی، شعر موج نو، شعر حجم، شعر تجسمی یا پلاستیک، شعر ناب، شعر گفتار، شعر سپید، نقد آکادمیک، نقد جریان‌شناسانه، نقد روزنامه‌ای، نقد تاریخی -

تحلیلی، نقد تحلیلی - فلسفی، نقد پیشرو. همچنین آراء و آثار تئوریک و انتقادی دو تن از برجسته‌ترین شاعران و منتقدان جریان نقد پیشرو، دکتر رضا براهنی و یداالله رؤیایی، بررسی شده و در پایان این فصل، چند شعر از اشعار دکتر رضا براهنی برای نمونه آورده شده است.

در فصل دوم کتاب، که به اشعار و نظریه‌های شعری نیما یوشیج اختصاص دارد، زمینه‌های تحولات ادبی در عصر مشروطه و زمینه‌سازان آن، مدرنیته، تجدد و نیاز به نو شدن، ادبیات در انقلاب و نه انقلاب در ادبیات (ویژگی‌ها)، اولین نوسرایان، سبک در شعر نیما، به عینیت رساندن روابط، عینیت و چگونگی رسیدن به ابژه، نزدیکی نظم به نثر، عوامل سازنده روایت، وزن و زبان در شعر نیما، آرمان‌ها و اندیشه‌های اجتماعی نیما، دغدغه انسان، تأملاتی در شعر نیما و نظرگاه‌ها، قیاس شعر کهن با شعر نیما، فردیت و تغزل در شعر نیما و عرفان، و ابژه در شعر نیما به تفصیل روایت شده و در پایان این فصل، چند شعر از اشعار نیما یوشیج برای نمونه آورده شده است.

فصل سوم کتاب به زندگی و کارنامه هوشنگ ایرانی اختصاص دارد. مؤلف در آغاز این فصل، به معرفی زندگی، آثار و آراء هوشنگ ایرانی پرداخته است. مرور بیانیه سلاح بلبل، نوشته هوشنگ ایرانی و دوستانش، و نیز شرح عوامل سازنده سبک، لحن، روایت، زبان، فرم، وزن، عرفان و اندیشه در اشعار هوشنگ ایرانی، از جمله مباحث این فصل است.

مؤلف در پایان این فصل، چند شعر از اشعار هوشنگ ایرانی را برای نمونه آورده است.

فصل چهارم کتاب به جریان «شعر موج نو» و زندگی و کارنامه ادبی پدیدآورنده این جریان، احمدرضا احمدی، اختصاص دارد. مؤلف در این فصل، ضمن بیان زندگی‌نامه احمدرضا احمدی، آثار او را برشمرد و مروری از آثار او به دست داده است. وی در ادامه، به بررسی عوامل سازنده سبک، زبان و فرم در شعر موج نو پرداخته و در پایان این فصل، چند شعر از اشعار احمدرضا احمدی را برای نمونه آورده است.

فصل پنجم این کتاب به جریان «شعر حجم» و زندگی و کارنامه پدیدآورنده این جریان، یداالله رؤیایی، اختصاص دارد. مؤلف در آغاز این فصل، پس از بازگو کردن زندگی یداالله رؤیایی، آثار او را برشمرد و از چگونگی شکل‌گیری شعر حجم سخن به میان آورده است. بیانیه



شعر حجم، نوشتهٔ یدالله رؤیایی و دوستانش، و نیز بررسی عناصر سازندهٔ سبک (تصویرسازی و زبان)، فرم و وزن، عاطفه، تکنیک، ابهام، تعهدگریزی، مفهوم تعهد و رابطهٔ تعهد، فرم و محتوا و معنا و محتوا در شعر حجم، مباحث این فصل را تشکیل می‌دهند. مؤلف در پایان این فصل، چند شعر از اشعار یدالله رؤیایی را برای نمونه آورده است.

فصل ششم این کتاب به جریان «شعر گفتار» و زندگی و کارنامهٔ پدید آورندهٔ این جریان، سیدعلی صالحی، اختصاص دارد. مؤلف در این فصل، ضمن ارائهٔ زندگینامهٔ سیدعلی صالحی، آثار او را در حوزه‌های شعر نو، بازسرابی و مصاحبه‌ها برشمرده و از آراء او در باب حوزهٔ شعر نو فارسی و جریان‌های آن سخن به میان آورده است. وی در ادامه به بررسی ابعاد سازندهٔ زبان، شاخصه‌ها و شگردهای زبانی در

شعر گفتار پرداخته و نیز عناصر سازندهٔ سبک و فرم در شعر گفتار را مورد بحث قرار داده است و مفاهیم سازندهٔ معنا و محتوا در شعر گفتار را کاویده و در پایان این فصل، چند شعر از اشعار سیدعلی صالحی را برای نمونه آورده است.

۲. کاستی‌ها

شاید گشودن چنین دریچه‌ای در پایان این متن، که قصد معرفی و مرور این کتاب را دارد، چندان ضرورت نداشته باشد؛ اما در شرایطی که این کتاب حاوی نقاط ضعفی است که سبب سردرگمی خوانندهٔ حرفه‌ای حوزهٔ ادبیات خواهد شد، نمی‌توان انتظار داشت که طیف خوانندگان حوزهٔ ادبیات، با خواندن این

کتاب دچار اشتباه و بدفهمی نشوند؛ زیرا شناخت یا معرفی یک کتاب از طریق عناوین اصلی و فرعی، شناسنامه، فهرست و مقدمهٔ کتاب صورت می‌گیرد. نگارنده در ادامهٔ این متن به دو نقطه ضعف اساسی این کتاب می‌پردازد.

۱- ۲. عنوان اصلی کتاب

عنوان اصلی این کتاب، شرح حاشیه است، که متأسفانه این عنوان، گویای محتوای کتاب نیست و مناسب یک اثر پژوهشی و علمی به نظر نمی‌رسد.

۲- ۲. عنوان فرعی کتاب

یکی از اشکالات این کتاب، تفاوت میان عنوان فرعی روی جلد آن با عنوان فرعی‌ای است که در صفحات عنوان و حقوق آن چاپ شده است. عنوان فرعی روی جلد این کتاب، عبارت: «بررسی جریان‌های

حاشیه‌ای شعر معاصر بعد از نیما» است؛ حال آنکه عنوان فرعی‌ای که در صفحات اول و حقوق آن به چشم می‌خورد، عبارت: «بررسی ساختار جریان‌های حاشیه‌ای شعر معاصر بعد از نیما» است. تفاوت مذکور، سبب می‌شود که خوانندهٔ این کتاب در برخورد با عنوان فرعی روی جلد آن، که قرار است تکلیف او را با روش‌شناسی نوع بررسی‌ای که قرار است آن را قرائت کند، روشن کند، دچار سردرگمی شود.

۳- ۲. نمایه

یکی دیگر از اشکالات این کتاب، این است که فاقد هر گونه نمایه است. اگر مؤلف نمایه‌ای از نام‌های کسان، آثار، مفاهیم و موضوع‌های اساسی این کتاب را در پایان آن گزینش و تنظیم می‌کرد، خواننده را در دست‌یابی به مباحث مورد نیاز، یاری می‌کرد.

۳. پیشنهاد

مؤلف در این کتاب، به معرفی و بررسی جریان‌های حاشیه‌ای شعر معاصر بعد از نیما، که از زمان حادث شدن انقلاب مشروطیت تا زمان به وقوع پیوستن انقلاب اسلامی ایران پدیدار شدند و رشد کردند، پرداخته است. اما نگارنده می‌اندیشد که جریان‌های شعرای‌ای چون: شعر زبانی‌ت، شعر پسانیمایی، شعر حرکت، شعر تفاوت، ادبیات رادیکال بومی، شعر ضد بلاغت، شعر ارتعاش، شعر دیجیتال، شعر آستان، شعر توگراف، خواندنی، ساده‌نویسی و ... که پس از انقلاب اسلامی پدیدار شدند و

رشد کردند نیز جزو جریان‌های شعر معاصر محسوب می‌شوند که پس از اشعار و نظریات شعر نیما یوشیج پدیدار شدند. از این رو، اگر مؤلف به معرفی و بررسی این جریان‌های شعر نیز می‌پرداخت، این پژوهش ادبی، علمی و انتقادی در باب جریان‌های شعر بد از نیما را تکمیل می‌ساخت. نگارنده امیدوار است مؤلف در سایر آثار انتقادی‌اش به این امر جامهٔ عمل ببوشاند؛ زیرا اکنون که سه دهه از زمان وقوع انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد، کمتر منتقد، محقق و پژوهشگری است که اثری علمی، پژوهشی و انتقادی در باب جریان‌های شعرای‌ای که پس از انقلاب اسلامی پدیدار شدند و رشد کردند، تولید کرده باشد؛ از این رو، وجود چنین خلأ انتقادی در فضای نقد شعر این کشور احساس می‌شود.

